

تحلیل عناصر و مؤلفه‌های هویت فردی در ایران*

محمد سلگی^۱، بهرام صالح صدق‌پور^۲، حسین حیدری^۳، احسان آقاپور^۴

چکیده

هویت مسئله‌ای پیچیده، چندبعدی و متکثر است و در عین داشتن ثبات نسبی، پیوسته در حال تحول و تغییر شکل است. جهان اطراف ما، ارزش‌ها، نگرش‌ها، بایدها و نبایدها، سپهر اقتصادی و سیاسی و هر آنچه حیات اجتماعی را احاطه کرده، در شکل دادن به ساخت هویت فردی مشارکت دارد. هویت فردی، به‌رغم بیان تمایزات افراد یک جامعه با افراد جوامع دیگر، بیانگر تشابهات افراد درون یک جامعه نیز است. هدف این پژوهش، استخراج عناصر مشکله هویت فردی ایرانیان است. روش تحقیق، روش پیمایش و جامعه آماری شامل افراد بالای ۱۶ سال مراکز استانی کشور است. حجم نمونه برابر با ۱۳۰۰ نمونه است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. داده‌های مورد نیاز نیز از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شده است. یافته‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که سیزده عامل اصلی یعنی نقش فضای مجازی، ارتباطات جمعی، بعد ایران‌گرایی، اهمیت مناسک ملی، ملی‌گرایی، اهمیت فرهنگ قومی، تمایز یافتگی فردی، بعد تمایز یافتگی عاطفی، اهمیت دین، اهمیت جامعه قومی، بعد ارزش‌های سنتی و اهمیت سرزمین قومی در کنار یکدیگر عناصر اصلی تشکیل‌دهنده هویت فردی هستند. در بین این عناصر، سرزمین قومی، کمال‌گرایی، ارزش‌های سنتی و ارتباطات جمعی نقش بیشتری نسبت به سایر عوامل در ساخت هویت فردی افراد دارند. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که این عناصر برحسب جنسیت و قومیت افراد تغییر کرده و این دو عامل در تعیین برخی از عناصر هویت فردی نقش تعیین‌کننده دارند.

واژگان کلیدی: جنسیت، قومیت، ارتباطات، دین، سرزمین، ارزش‌های سنتی، هویت فردی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال هفتم • شماره بیست‌وهفتم • تابستان ۹۷ • صص ۳۳۵-۲۹۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱/۲۶

* این مقاله برگرفته از طرح «بررسی و سنجش هویت فردی ایرانیان» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی است.

۱. استادیار روان‌شناسی و عضو هیات علمی جهاددانشگاهی (نویسنده مسئول)
(solgy2042@yahoo.com)
۲. دانشیار روان‌شناسی، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
(bahramsaleh@gmail.com)
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی.
(hs.heidari@yahoo.com)
۴. دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
(es_aghapour@yahoo.com)

مقدمه

اریکسون^۱، هویت فردی را به صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند؛ یعنی به رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. این احساس که «ما چه کسی هستیم؟» باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند نسبتاً همخوان باشد. این مسئله، به اعتقاد اریکسون، بر اهمیت رابطه بین فرد و جامعه تاکید دارد. محققان مقوله هویت، فرایند دستیابی به احساس پایدار از کیستی (که هستیم؟) و اینکه (که باید باشم) را شکل‌گیری هویت می‌گویند (بیابانگرد، ۱۳۷۶). شکل‌گیری هویت تنها منوط به دوره نوجوانی نیست، بلکه مربوط به سراسر عمر انسان است که طی آن شکل متعالی تری از انسجام فردی و نوآوری‌های اساسی اجتماعی در کل شخصیت فرد هویدا می‌شود (هریس و لیبرت، ۱۹۸۴؛ به نقل از رضوانی‌نژاد، ۱۳۷۶). از نظر اریکسون، نوجوان برای ساختن هویت خود در یک زمان با دو گروه از امور درگیر است: از سویی باید با تغییرات فیزیولوژیکی و شناختی خود سازگار شود و از سوی دیگر، ناگزیر از سازگاری با نظام‌های بیرونی است. نوجوان باید با تمام این مسائل مواجه شود و در خلال آنها، هویت خود را بسازد. بدین ترتیب، ساختن یک هویت منسجم و سالم نمی‌تواند آسان و بدون مشکل باشد (احدی و محسنی، ۱۳۷۸).

ویلیام گلاسر^۲، هویت را جزء جدایی‌ناپذیر زندگی همه انسان‌ها در همه فرهنگ‌ها می‌داند که از لحظه تولد تا مرگ ادامه می‌یابد. هویت، تصویر فرد نسبت به خودش است که بدان وسیله احساس موفقیت یا عدم موفقیت می‌کند. وی معتقد است که هویت به اشکال گوناگونی شکل گرفته و رشد می‌کند. لذا می‌توان گفت تشکیل هویت، فرایند رسیدن به شخصیت وحدت‌یافته دوره بزرگسالی است که از همانند سازی‌های پیشین و عوامل مؤثر دیگر نشات می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۷۵؛ به نقل از امام جمعه، ۱۳۸۲). یکی از

1. Erikson
2. William Glasser

راه‌های تشکیل هویت از نظر گلاسر، داشتن ارتباط و درگیری عاطفی با خود و دیگران است. اساس تشکیل هویت، تلاش‌ها و فعالیت‌هایی است که ما علاقه‌مندیم تعقیب کنیم و در مقابل آن تلاش‌ها، در می‌یابیم که هستیم. برداشت‌ها و نظرات دیگران نیز در روشن کردن هویت، نقش عمده‌ای دارد. ارزشیابی‌های ما از خودمان در ارتباط با شرایط زندگی، اوضاع اجتماعی و اقتصادی نیز تعیین‌کننده هویت ماست (شفیع‌آبادی، ۱۳۶۳، به نقل از ملایی‌نژاد، ۱۳۸۲). به طور کلی روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، هویت را در درجه نخست امری فردی و شخصی می‌دانند. از این دیدگاه، هویت عبارت از «احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی» است (یاکوبسن، ۱۹۹۲: ۹). از طرفی، ویژگی مهم هویت چندلایه بودن است؛ مانند منظومه شمسی که فرد به منزله مرکز منظومه و لایه‌های هویت چون مدارهای آن هستند (ابوطالبی، ۱۳۷۹: ۱۹۴).

دستیابی به هویت، به انسجام و یکپارچگی «من» می‌انجامد و در سوی مقابل، عدم دستیابی به هویت، به آشفتگی، درهم‌ریختگی و سردرگمی هویت می‌انجامد. این سردرگمی بر تمامی رفتارهای فردی و اجتماعی انسان اثر می‌گذرد. ناتوانی در ایجاد ارتباط با همسالان، بازگشت (واپس روی)، عدم تعهد فکری به اهداف خاص، عدم تمایل به مذهب و مسلک خاص، عدم دستیابی به نظام باورها و ارزش‌ها، فقدان استراتژی و هدف در زندگی، لاقیدی در رفتار، تاکید بر زندگی لحظه‌ای و نسبی‌گرایانه (اسپرینتال، ۱۹۹۴)، تابعیت از امور، بی‌پایه‌گی در گذشته و بی‌طرحی برای آینده، حرکت در حال به نحو غیرارادی، روابط مختل با والدین (نصرتی و همکاران، ۱۳۸۵)، آسیب‌پذیری اجتماعی و... پاره‌ای از اوصاف یک فرد سردرگم و پریشان‌نقش است. البته بسته به شرایط سنی، فرهنگ‌ها و موقعیت‌های اجتماعی ممکن است هر یک از این منابع از نظر اولویت‌بندی متفاوت باشند.

مطالعات انجام شده در خصوص هویت اجتماعی، و ابعاد و حوزه‌های آن همچون: هویت ملی، هویت دینی، هویت قومی و... در کشور ما قابل توجه و پر تعداد است. در مورد هویت فردی، اما چنین کثرت و تنوع پژوهشی دیده نمی‌شود. نکته قابل توجه اینکه مبحث هویت از ابداعات حوزه روان‌شناسی است و از این حوزه به سایر علوم و رشته‌ها تسری یافته است. ولی هویت فردی علاوه بر بعد روان‌شناختی دارای ابعاد اجتماعی نیز است. زیرا هویت در ارتباط با دیگران و در فرایند اجتماعی شدن افراد ساخته می‌شود و عوامل زیادی در ساخت و شکل‌گیری آن نقش دارند (ملایی‌نژاد، ۱۳۸۲).

بنابراین می‌توان دریافت که به‌رغم تفاوت‌های موجود در بین افراد جامعه، با توجه به اینکه عواملی چون فرهنگ، دین، زبان، شرایط اقلیمی و ... در بین افراد مشترک است، انتظار می‌رود این عوامل، نزدیکی و تشابهات افراد در برخی ابعاد هویت فردی را به دنبال داشته باشد. چرا که هویت افراد طی فرایند رشد شکل می‌گیرد و در متن اجتماع و فرهنگی ایجاد می‌شود که فرد در آن جامعه پذیر شده است. بر این اساس، در این پژوهش تلاش شده است تا این موضوع بررسی شود که هویت فردی ایرانیان دارای چه ابعادی است؛ از چه مولفه‌هایی ساخته شده و هریک از این ابعاد در ساختمان هویت فردی چه جایگاه و اهمیتی دارند.

پیشینه تجربی

پژوهش‌ها و منابع تجربی موجود در خصوص هویت در ایران، بیشتر هویت جمعی را مدنظر قرار داده‌اند و تحقیقات انجام شده درباره هویت فردی بسیار اندک است. بیشتر تحقیقات انجام شده درباره این موضوع در حوزه روان‌شناسی و با الهام از نظریه مارسیا و طبقه‌بندی هویت فردی به عنوان هویت مشوش، هویت معلق و هویت موفق و ارتباط مشخصه‌ها و ویژگی‌های شخصی با این طبقه‌بندی انجام شده است. شکرکن و همکاران (۱۳۸۰) بین وضعیت هویت از نظر نحوه توزیع افراد در چهار حالت هویت سردرگم، زود هنگام، مهلت‌خواه و کسب‌شده و همچنین ابعاد هویت - اعتقادی و روابط بین فردی در بین دانشجویان تفاوت معنی‌دار مشاهده کردند. شکری و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی نقش سبک‌های هویت و تعهد هویت بر بهزیستی روان‌شناختی به این نتیجه رسیدند که سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران تأثیر دارد و هدف در زندگی اثر مثبت، سبک هویت هنجاری بر تعهد اثر مثبت و بر استقلال اثر منفی، و سبک هویت سردرگم / اجتنابی بر تعهد، استقلال، رشد فردی و هدف در زندگی اثر منفی دارد.

از طرف دیگر، در داخل کشور و در حوزه جامعه‌شناسی مطالعات متعددی در خصوص نقش مؤلفه‌های گوناگون در هویت فردی و اجتماعی انجام شده است که در این بخش به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود. رفعت‌جاه در بحث از هویت زنان بین تحصیلات، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی و هویت شخصی (۱۳۸۳)؛ شالچی بین مناسک مذهبی (۱۳۸۴)؛ عزیززاده بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۴) با هویت فردی

روابط معناداری یافته‌اند. پرستش و همکاران (۱۳۸۷) در بررسی رابطه بین مدیریت ظاهر و هویت فردی جوانان به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت ظاهر جوانان و هویت فردی آنان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و هر چه میزان انتخاب و گزینش افراد بالاتر رود، مسئله هویت و برداشت آنان از خویشتن خویش (هویت فردی)، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. نتایج تحقیق علوی و همکاران (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که بین استفاده از اینترنت و هویت شخصی رابطه معنی‌داری دیده نمی‌شود. اما استفاده زیاد از کامپیوتر به افت هویت ملی و هویت دینی و سلامت روان منتهی می‌شود. ابراهیمی و بهنویی (۱۳۸۹) در مطالعه رابطه بین سرمایه فرهنگی جوانان و مؤلفه‌های هویت اجتماعی فردی و جمعی به این نتیجه رسیده‌اند که بین سرمایه فرهنگی جوانان و مؤلفه‌های هویت آنان همبستگی وجود دارد. بیشترین ضریب همبستگی سرمایه فرهنگی با مولفه‌های هویت شخصی و گروهی و کمترین میزان همبستگی با گونه‌های هویت ملی، مذهبی و خانوادگی است. گرایش دختران به مؤلفه‌های هویت جمعی بیشتر از پسران بوده و در مقابل میزان گرایش پسران به مؤلفه‌های هویت فردی بیشتر است.

نیازی (۱۳۹۰) در بررسی نقش ماهواره و برنامه‌های ماهواره‌ای در وضعیت و فرسایش هویت فردی، اجتماعی، ملی و دینی، بین میزان استفاده از ماهواره با هویت اجتماعی، هویت ملی و هویت دینی رابطه معنادار و معکوس مشاهده کرده است. بنی‌نصرت (۱۳۹۱) در مطالعه نقش ورزش در شکل‌گیری هویت ورزشکاران در مقایسه با افراد غیر ورزشکار، به این نتیجه دست یافته که میانگین متغیرهای حس رقابت‌جویی، اعتماد به نفس و تعلق گروهی با توجه به سطح عملکرد ورزشی اختلاف معنی‌داری دارند. هم‌چنین هویت غالب در سطوح بالاتر از نوع اجتماعی و در سطوح پایین‌تر فردی بود. در سطوح بالاتر ورزشی نیز همگنی بیشتری بین هویت فردی و اجتماعی مشاهده شد. برجعلی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی، و تعیین نقش این عامل در پیش‌بینی هویت پایدار، میان جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی، رابطه معنادار مشاهده کردند. برطبق نتایج این پژوهش، ۲۳/۹ درصد هویت فردی، بر اساس جهت‌گیری مذهبی قابل تبیین است؛ به گونه‌ای که هم زیر مقیاس اخلاق و هم زیر مقیاس عقاید و مناسک پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری در تعیین هویت فردی به شمار می‌آیند. علاوه بر این، دختران نمرات بالاتری را نسبت به پسران در مقیاس جهت‌گیری مذهبی داشتند. در مقابل، پسران هویت فردی شکل یافته‌تری را دارا بودند.

ادبیات نظری

هویت

واژه Identity به معنای هویت، ریشه در زبان لاتین دارد و دارای دو معنای اصلی است: معنای اول آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و معنای دوم آن به معنای تمایز است که به مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین مفهوم هویت - به معنای اصطلاحی آن - میان اشیاء و افراد دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد؛ از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت. به عبارت دیگر، هویت مرکب از جنس (وجه اشتراک) و فصل (وجه افتراق) است. واژه هویت عربی است و به معنی تشخیص شیء، ذات و حقیقت آن است. هویت را مجموعه خصوصیت‌هایی دانسته‌اند که فرد یا شیء را از دید تعلق به گروه یا نوع مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع هویت، همان «اوثیت» یا «آنیت» شخص یا شیء است؛ یعنی این همان فرد یا شیء است. هویت یک مؤلفه خصلتی (که طرف توجه خاص شخص یا شیء باشد) نیست. زیرا فرد یا شیء در همه حال به طور طبیعی از هویت، یعنی ملاک یا سنج‌های شناختی برخوردار است. به سخن دیگر، هویت به عنوان یک موضوع شناخت، برای غیر خود مطرح است، زیرا خصوصیت و شناخت فرد یا شیء در اساس مطرح نظر غیر است تا مورد توجه خود فرد یا شیء و نفس وجود فرد یا شیء، بیانگر هویت است (سلگی، ۱۳۸۹).

مارسیا^۱ معتقد است هویت می‌تواند به عنوان ساختار خود در نظر گرفته شود؛ ساختاری که عبارت است از یک سازمان پویا، خودساخته و درونی از کشاننده‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه فردی. تحول این ساختار زمانی است که افراد نسبت به یگانگی‌ها و شباهت‌هایشان با دیگران و نقاط ضعف و قوت خود در روش‌هایی که در جهان اتخاذ می‌کنند آگاه‌تر باشند و تکیه بیشتری بر منافع بیرونی برای ارزشیابی خود داشته باشند (مقدم، ۱۳۸۶). مفهوم هویت اساساً به درک و فهم افراد از خودشان به عنوان یک وجود مشخص و متمایز اشاره دارد (کوت و لوین^۲، ۲۰۰۲؛ به نقل از هرسیچ و تویسرکانی، ۱۳۸۹). هویت شیوه‌ای است که فرد، خودش را تعریف می‌کند و باز می‌شناسد (اولسون، ۲۰۰۲). بنابراین، هم شناخت خویش است و هم معرفی خود به دیگران (احمدی، ۱۳۸۶).

1. Marcia

2. Cote & Levine

هویت مرز ما با دیگران است و هر آنچه ما را از دیگران متمایز می‌سازد، هویت ماست. با این تعریف می‌توان سطوح و ابعاد مختلف هویت را از هم بازشناخت (رنجبر، ۱۳۸۵).

از میان مفاهیم فارسی، واژه یا مفهوم «تشخص» نیز می‌تواند راهبر خوبی برای تعریف اصطلاحی هویت باشد؛ بدین معنی که هویت اصطلاحاً مجموعه‌ای از شاخص‌ها و علائم در حوزه مؤلفه‌های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اقلیتی از اقلیت دیگر و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود. هویت یعنی وجه اختصاصی هر فرد یا گروه. وجه اختصاصی که در من است و در هیچ انسان دیگری نیست، به آن می‌توانم بگویم: «هویت من». لذا به کسی می‌توان گفت بی‌هویت، که هیچ چیز مختص به خود نداشته باشد. اگر انسان هیچ خصوصیتی نداشته باشد، در آن صورت می‌توان به وی لقب بی‌هویت داد. هویت ما مرز میان ما با دیگران است، لذا موارد اشتراک ما و دیگران نیست. این «من» اگر گروه باشد، در این صورت هویت گروهی مجموعه‌ای از خصایص مشترک اجتماعی را شامل می‌شود که دیگر گروه‌ها فاقد آن هستند. بنابراین، هویت مفهومی دو رویه است؛ یعنی هم بیانگر تشابه و هم تمایز است. هویت به مثابه یک فرایند عمل می‌کند. دیدگاه سازنده‌گرایی این جنبه از هویت را مورد تأکید قرار می‌دهد. دیدگاه ذات‌گرایانه اصولاً هویت را مقوله‌ای ثابت و تغییرناپذیر می‌داند و دیدگاه پست‌مدرن نیز در نقطه مقابل، قائل به ثبات در هویت نیست و ادعا می‌کند هویت آدمی هر لحظه به رنگی در می‌آید و تابع گفتمان مسلط است. در حد وسط این دو، سازنده‌گرایی ضمن پذیرش عناصری که با گذشت زمان‌های طولانی به عناصر پایدارتری تبدیل شده‌اند، موضوع تغییر در هویت‌ها را نیز نادیده نمی‌انگارد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵).

بنابراین هویت به عنوان پدیده‌ای سیال و چند وجهی، حاصل فرایند مستمر تاریخی است که تحت تأثیر شرایط محیطی، همواره در حال تغییر است. به تعبیر دیگر، هویت همواره و به طور تغییرناپذیری بین‌الذهانی است و با مفاهیم اجتماعی و سمبل‌های فرهنگی آمیخته شده، با آنها تفسیر می‌شود؛ لذا می‌توان گفت: هویت یک گروه یا ملت، نه یک جوهر ثابت و قطعی و نه از یک ساختار قطعی برخوردار است، هویت به مثابه چیزی که همیشه ساخته می‌شود و می‌تواند به صورت انتقادی بازسازی شود، مورد توجه است (پاتریک، ۲۰۰۰).

هویت فردی

وقتی افراد بر شباهت‌های درون‌گروهی و تفاوت‌های بین‌گروهی تاکید دارند، بحث هویت جمعی مطرح است. شناسه این نوع هویت، آن حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق بدان می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۶۳). ولی هنگامی که فرد بر تفاوت‌های فردی متمایز از دیگر اشخاص درون گروه تاکید دارد، هویت فردی مطرح می‌شود. در واقع، هویت فردی، معطوف به بازشناسی مرز میان خود و دیگری است. هویت فردی توانایی فردی شخص را در به کار بردن ضمیر خود «من» نشان می‌دهد و معرف هویت و استقلال شخصی فرد است (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). هویت فردی گاه به دو صورت فردی و نقشی ظاهر می‌شود. منشا «هویت نقشی» بیشتر در تقسیم کار است و برداری چند بعدی از معانی، انتظارات، نقش‌های اجتماعی محول و اکتسابی است که شخص در زندگی اجتماعی ایفاء می‌کند. «هویت شخصی» عملاً بر اساس روایت خاصی از «خود» باطنی افراد ساخته و پرداخته می‌شود از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا مبنای زندگی اجتماعی و ایجاد ارتباط معنادار و استوار با دیگران است.

اریکسون، هویت فردی را به صورت یک احساس پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند. یعنی به‌رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت فرد از خود همواره مشابه است. بوهن (۱۹۷۱) چهار مؤلفه انسانیت (این حس که فرد یک انسان است)، جنسیت (احساس فرد در خصوص مردانگی و زنانگی خود)، فردیت (حق یکتایی، بی‌نظیر و خاص بودن) و پایداری (باور به اینکه فرد همان فرد روز قبل است) را در احساس فردی هویت مهم می‌داند (بوهن، ۱۹۷۱؛ به نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۸). به بیانی دیگر، هویت فردی به رابطه میان فرد، خانواده، خویشاوندان و همچنین به جنسیت فرد بازمی‌گردد؛ زیرا هر فرد دارای یک هویت خانوادگی و یک هویت جنسیتی است. در فرایند شکل‌گیری هویت فردی دو عمل انجام می‌شود: شناخت خود و شناساندن خود به دیگران. این دو عمل باعث تمایز فرد از دیگران، تفاوت‌گذاری و دگرگونه‌سازی می‌شود. چنانکه آنتونی گیدنز^۱ معتقد است، هویت هر شخص را نباید در رفتار او و در واکنش‌های دیگران جستجو کرد، بلکه باید آن را در توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت مشخصی از زندگینامه‌اش یافت.

1. Anthony Giddens

زندگی‌نامه شخصی که به حفظ روابط متقابل و منظم با دیگران علاقه‌مند است، خیالی و ساختگی نیست. زندگی واقعی باید به طور مداوم رویدادهای دنیای خارج را در خود ادغام کند و آنها را با تاریخچه جاری «خود» شخص سازگار سازد. به نظر گیدنز، فردی که ثبات معتدلی در هویت شخصی خود احساس می‌کند، زندگی پیوسته و بدون بریدگی دارد. به همین دلیل می‌تواند با سایر افراد در آمیزد و کم و بیش با آنها ارتباط برقرار کند. چنین شخصی از خلال نخستین روابط اعتمادآمیز خود، نوعی پبله محافظ برای خود دست و پا می‌کند. این سیستم محافظ در امور روزمره، بسیاری از خطرهایی را که جامعیت خود او را تهدید می‌کنند از سر می‌گذراند. همچنین هویت شخصی هر کس به شدت تحت تأثیر محیط و شرایط فرهنگی اوست. چنانکه گیدنز یادآور می‌شود محتوای هویت شخصی مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است. برای مثال، نام شخص، نخستین عنصر زندگینامه اوست. آداب و رسوم، نام‌گذاری اجتماعی، اینکه نام افراد تا چه حد معرف روابط خونی و خویشاوندی آنهاست، همه بر حسب فرهنگ‌های مختلف تغییر می‌کنند. هویت فردی همان «خود» است که فرد آن را به عنوان بازتابی از زندگینامه خود می‌پذیرد. هویت به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است و هویت فردی نیز بازتاب تغییری است که شخص از آن به عمل آورده است. این تغییر، مؤلفه‌های «شخص بودن» را نیز در بر می‌گیرد. هویت هر فرد در عین حال هم زاینده نهادهای امروزین است و هم به آنها شکل می‌دهد. خود، مفهوم منفعلی نیست که صرفاً متأثر از بیرون باشد، بلکه افراد در روند شکل‌گیری هویت شخصی خویش، صرفنظر از کیفیت محلی یا موضعی اعمال و افعال آنها، به طور مستقیم در ایجاد و اعتلای بعضی از تأثیرات اجتماعی نیز مشارکت دارند. گیدنز، بهترین شیوه برای تحلیل هویت فرد را این می‌داند که او را با افرادی که احساس «خود» در هم شکسته دارند، در تضاد قرار دهیم. زیرا فردی که از نظر وجودی، احساس ناامنی می‌کند، همیشه گرایش دارد یک یا چند مورد از خصوصیات خود را در معرض نمایش قرار دهد. در اینجاست که متوجه می‌شویم فردیت تنها در صورتی می‌تواند ایجاد شود که فشار جامعه بر فرد کاهش یابد. هرگاه خود و شخصیت فرد تقویت شود، شباهت او با دیگران کاهش پیدا می‌کند و عکس این مطلب نیز صادق است. به میزان اعمال بیشتر نیروی جامعه، شخصیت و فردیت فرد کاهش می‌یابد یا محو می‌شود؛ در اینجا می‌توان جای «خود» را به زندگی دسته جمعی داد (گیدنز، ۱۳۷۸).

احساس و هویت هر فرد، مانند دیگر ابعاد وجودی او، هم نیرومند، هم ظریف و

شکونده است. زیرا شرح حال معینی که فرد در ذهن خود حفظ می‌کند، تنها یکی از «تاریخچه»های بالقوه‌ای است که وی می‌تواند درباره رشد و توسعه «خود» تعریف کند و از آن نظر ظریف است که احساس هویت شخصی، اغلب به‌حدی امنیت‌بخش است که شخص می‌تواند تشنجه‌ها و تغییرات جاری محیط اجتماعی پیرامون خود را به‌طور موفقیت‌آمیزی از سر بگذراند. حال اگر بخواهیم ایمن بودن را از نظر هستی‌شناختی بررسی کنیم، عبارت از در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه است. همچنین خودآگاهی عملی برای پاسخ به برخی پرسش‌های وجودی بنیادین است که همه آدمیان در طول عمر خود به نحوی مطرح می‌کنند. چنان‌که کی‌یرکگارد می‌گوید اضطراب همراه با آزادی و اختیار به عالم بشریت راه می‌یابد. البته آزادی و اختیار از ویژگی‌های سرشتی فرد انسانی نیست، بلکه معلول اکتساب نوعی ادراک هستی‌شناسانه از واقعیت خارجی و هویت شخصی است (منجم، ۱۳۷۷).

از نظر مکتب کنش متقابل نمادین، معناها به‌طور کلی و هویت به‌طور خاص در جریان روابط متقابل با دیگران شکل می‌گیرند (حیدری و شاوردی، ۱۳۹۲: ۴۰). مهمترین منابع برای تعریف خود مشتمل بر ویژگی‌های فرهنگی اعضای یک گروه یا جامعه و نیز روابط و مناسباتی است که فرد را احاطه کرده‌اند. از لحاظ فرهنگی، کنشگران از طریق فرهنگ مشترک اعضای جامعه، خود را در یک مقوله طبقه‌بندی می‌کنند و از این طریق، اشتراکات‌شان را با سایر اعضای گروه (درون گروه) و تفاوت‌های‌شان را با دیگران و گروه‌های دیگر (برون گروه) مرزبندی می‌کنند (همان: ۴۳).

بنابراین می‌توان گفت هویت فردی تعریف فرد از خود است، با تاکید بر تفاوت وی از دیگران. هویت فردی بر تفاوت‌ها تاکید دارد؛ در حالی که تاکید اصلی هویت جمعی بر شباهت‌هاست. بر اساس این تعریف، جهت‌گیری و رویکرد نظری این پژوهش به اختصار به شرح زیر است:

- هویت یگانه و تغییرناپذیر تلقی نمی‌شود؛ بلکه متکثر، چندپاره و متغیر است؛
- هویت‌ها مرکب، چندگانه، آمیخته و نسبی بوده و پیوسته در حال بازسازی هستند؛
- مقوله هویت با نوعی پلورالیسم روبروست. یعنی منابع هویت‌بخش متنوع بوده و در هر کسی انواعی از منابع هویت‌بخش در شاکله هویتی او حضور دارند؛
- ابعاد و سطوح هویت فردی با هم در تعامل و تعاطی‌اند؛
- هویت‌سازی به نحوی آگاهانه توسط کنشگران انجام می‌شود. به عبارتی، «خود»

دارای امکان برای انتخاب است؛ هر چند این امکان نزد نخبگان فراهم‌تر است. اما در شرایط دنیای مدرن، این فرصت به تناسب در اختیار همگان است.

■ بین منابع متشکله هویت، هماهنگی و همزیستی وجود دارد که باعث انسجام و یکپارچگی در هویت فردی و البته دیگر صور هویت می‌شود. لذا بین منابع هویت، ترکیب متعادلی وجود دارد و هر فرد با ترکیب نسبتاً موزونی از منابع هویتی زندگی می‌کند. بنابراین بین منابع مختلف شکل‌دهنده هویت، هماهنگی و تعامل وجود دارد، نه تضاصم و تراحم؛

■ هویت می‌تواند چندگانه، تودرتو، چندلایه، چندبعدی و متکثر باشد و اصولاً هویت شامل مجموعه‌های محقق‌ی است که طی مراحل زندگی در خود انباشت می‌کنیم و الزاماً این هویت‌ها نافی هم نیستند.

در اینجا می‌توان دو پرسش مطرح کرد: اولاً، مؤلفه‌های این تشخص یا هویت کدامند؟ به اعتقاد برخی از متفکران مؤلفه‌های هویت را می‌توان به حوزه‌های شناختی (ذهنی) و روان‌شناختی (روانی) تقسیم کرد. حوزه‌های شناختی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها، آگاهی‌ها، طرز تلقی‌ها یا رویکردهاست و حوزه روان‌شناختی شامل احساسات، نیازها و تمایلات. بنابراین می‌توان گفت: هویت معانی ذهنی شامل ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک «خود» فردی یا اجتماعی و احساس تعلق و تعهد نسبت به آن خود است (ابوالحسنی، ۱۳۸۶). اما پرسش دومی که مطرح می‌شود این است که مرجع تشخیص وجود یا عدم وجود مؤلفه‌ها و شاخص‌های تشخص خاص (هویت) در یک فرد یا گروه کیست؟ یک پاسخ می‌تواند این باشد که این مرجع، ناظرین بر افراد یا گروه‌ها هستند که می‌توانند از طریق روش‌های منطقی و علمی به وجود یا فقدان یک یا چند خصوصیت هویتی در فرد یا گروه آگاهی یابند. چرا که امکان دارد افراد یا گروه‌ها خودشان نتوانند راجع به وجود یا فقدان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها در خودشان قضاوت کنند. از آنجا که ویژگی‌ها دارای علائم و اثرات هستند، این دیگران هستند که می‌توانند نسبت به کمیت و کیفیت وجود آنان در افراد و گروه‌ها ارزیابی داشته باشند. اما پاسخ دیگری که توسط اکثریت نظریه‌پردازان ارائه شده این است که انسان‌ها موجودات خودآگاهند و نسبت به ویژگی‌ها، اعتقادات، تمایلات، احساسات و ذهنیات خود آگاهی دارند و می‌توانند خود را معرفی نمایند و آنچه را که معرفی و اظهار می‌دارند، همان هویت آنان است. لذا هویت تعریف و آگاهی است

که فرد یا گروه از خود ارائه می‌کند. هویت هم شناختن خویش است و هم معرفی خود به دیگران. هویت فرد همان برداشت از «خود» است که عبارت است از جامعیت اندیشه‌ها و احساساتی که فرد در ارجاع خودش به عنوان یک شناخته‌عینی (من مفعولی) دارد. البته فرد یا گروه این تعریف را به واسطه تعاملش با دیگران و یا به عبارتی با نگاه کردن در آینه دیگران از خود به دست می‌آورد. هویت‌ها، معناهایی اند که شخص به خود (به عنوان یک ایزه در یک موقعیت اجتماعی یا یک نقش اجتماعی) نسبت می‌دهد. این معانی که شخص به خود نسبت می‌دهد، طی تعامل با دیگران (در موقعیت‌هایی که آن دیگران به عنوان یک مجری در یک نقش خاص به این شخص پاسخ می‌دهند)، فهمیده و درک می‌شوند.

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. پیمایش، مجموعه‌ای از روش‌های منظم و استاندارد است که برای جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد، گروه‌ها، خانواده‌ها و یا مجموعه‌های بزرگتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین روشی برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه آماری از راه انجام تحقیق است. پیمایش بهترین روش برای جمع‌آوری داده بهت توصیف جمعیت‌های بزرگی است که نمی‌توان ویژگی‌های آنها را به طور مستقیم مشاهده و مطالعه کرد (بی، ۱۳۸۱: ۵۶۸). در پیمایش غالباً با افرادی که معرف گروه مورد بررسی هستند، مصاحبه می‌شود و نظرات و نگرش‌های ایشان نسبت به موضوع مورد بررسی مبنای تحلیل و تعمیم قرار می‌گیرد.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال مراکز استان‌های کشور بر اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ است. برای تعیین جمعیت نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. در فرمول زیر n برابر تعداد نمونه، Z ضریب اطمینان که مقدار آن برابر ۱,۹۶ است، d تفاوت میانگین نمونه و میانگین جامعه که برابر ۱,۱۶ است و s نیز انحراف معیار متغیر وابسته است که از نتایج مطالعه پایلوت بدست آمده و برابر با ۲۱,۲۹ است.

$$n = \frac{z^2 s^2}{d^2} = \frac{1.96^2 * 21.29^2}{1.16^2} = \frac{3.84 * 453.26}{1.34} = 1300$$

حجم نمونه نهایی با توجه به محاسبات انجام شده ۱۳۰۰ نمونه برآورد شد. برای توزیع

نمونه‌ها، یک سوم مراکز استانی به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. تعداد نمونه طرح براساس حجم برآورد شده بین هفت استان به شرح زیر توزیع شد.

جدول ۱: توزیع نمونه در شهرهای مورد مطالعه

ردیف	شهر	تعداد
۱	تهران	۳۰۰
۲	مشهد	۲۰۰
۳	شیراز	۲۰۰
۴	رشت	۱۵۰
۵	تبریز	۱۵۰
۶	سندج	۱۵۰
۷	اهواز	۱۵۰
	جمع	۱۳۰۰

برای تعیین عوامل و ابعاد هویت فردی، ابتدا با افراد صاحب نظر در حوزه هویت اجتماعی و فردی از دو حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناسی و علوم تربیتی مصاحبه شد. مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساخت یافته در چهار محور تعریف هویت فردی، ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت فردی، عوامل مؤثر بر هویت فردی و عوامل تأثیرپذیر از هویت فردی انجام شد. بعد از انجام مصاحبه، نتایج به دست آمده مقوله‌بندی شد. سپس مقوله‌های ساخته شده مورد بازنگری قرار گرفت و موارد مشابه و هم‌پوشانی‌ها اصلاح و یا ادغام شدند. بعد از استخراج ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی از مصاحبه‌ها، نتایج به دست آمده از طریق مرور نظری نظریه‌های مرتبط با هویت فردی بازنگری و تکمیل شد. مؤلفه‌های نهایی غربال شده عبارت بودند از: مدرسه، فلسفه زندگی، تعاملات خانواده، قومیت، تحصیلات، زبان، جامعه، فرهنگ منطقه‌ای، نظام آموزشی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، سبک زندگی، نوع ارتباطات، مهارت‌های ارتباطی، اعتقادات مذهبی، تاریخچه شکست و موفقیت، تحصیلات، بازخوردها، نگرش‌ها و علایق، انتخاب و نوع انتخاب، بلوغ شناختی، ویژگی‌های شخصیتی، هوش، جنبه‌های بدنی، ژنتیک، فیزیولوژی، شغل و نوع شغل، دوستان و همسالان.

سپس بر اساس مؤلفه‌های فوق، پرسشنامه اولیه تدوین شد. برای تعیین روایی ابزار تحقیق، پرسشنامه تدوین شده در اختیار ده نفر از متخصصان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار داده شد و درباره محتوای سئوالات از ایشان نظرخواهی و نظرات ایشان دریافت و در

پرسشنامه اعمال شد. بعد از اعمال نظرات صاحب نظران، پرسشنامه اولیه برای اجرا آماده و بین ۳۰ نفر از جامعه آماری توزیع و از ایشان خواسته شد تا به سئوالات پاسخ دهند. بعد از تکمیل پرسشنامه توسط پاسخگویان، داده‌های به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل نتایج از تحلیل سئوال و تحلیل پایایی استفاده شد. برای تحلیل پایایی از آزمون آلفای کرونباخ و برای تحلیل سئوال نیز از روش‌های ضریب مقبولیت، ضریب تمیز و هماهنگی درونی سئوالات استفاده شد. در پایان مبنای قضاوت براساس میزان معناداری هر سئوال در دو روش قرار داده شد؛ بدین صورت که اگر سئوالی که حداقل در دو روش از سه روش ذکر شده در تحلیل سئوال معنادار بود انتخاب و در غیر این صورت، حذف شدند.

یافته‌های تحقیق

مشخصات جمعیت‌شناختی

بررسی مشخصات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۰/۴ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۹/۶ درصد زن هستند. دامنه سنی پاسخگویان حاکی از آن است که ۳۶/۲ درصد زیر ۳۰ سال، ۲۰/۸ درصد بین ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۶/۷ درصد ۴۰ تا ۴۹ سال، ۱۳/۸ درصد ۵۰ تا ۵۹ سال و ۱۲/۵ درصد نیز بالای ۶۰ سال سن دارند. این تحقیق در دامنه سنی ۱۸ تا ۸۲ سال قرار دارد و میانگین سنی افراد ۳۹/۵ سال است. حداقل سن پاسخگویان ۱۶ سال و بالاترین آنها ۶۷ سال، میانگین سنی پاسخگویان ۳۸/۸ سال و انحراف معیار آن برابر با ۱۴/۰۹ است. از بین پاسخگویان ۲۹/۳ درصد مجرد، ۶۵/۹ درصد متأهل، ۱/۷ درصد مطلقه و ۳/۲ درصد نیز همسر خود را بر اثر فوت از دست داده‌اند. از بین پاسخگویان ۴۹/۱ درصد فارس، ۱۹/۲ درصد ترک، ۱۲/۱ درصد کرد، ۴/۶ درصد عرب، ۲/۶ درصد لر، ۱۰ درصد گیلک و ۲/۴ درصد نیز از سایر اقوام هستند. ۸ درصد از پاسخگویان تحقیق دارای شغل دولتی، ۸/۱ درصد خصوصی، ۲۲/۷ درصد دارای شغل آزاد، ۶/۷ درصد بازنشسته، ۴/۶ درصد دانش آموز، ۱۱/۳ درصد دانشجوی، ۳۲/۴ درصد خانه‌دار، ۶/۳ درصد بیکار و ۰/۱ درصد نیز سرباز هستند. بررسی میزان تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد تحصیلات که ۶۵/۸ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۲۹/۲ درصد کاردانی و کارشناسی، ۴/۶ درصد کارشناسی ارشد و ۰/۲ درصد نیز دکتری هستند.

جدول ۲: مشخصات پاسخگویان

درصد معتبر	فراوانی		
۵۰,۴	۶۶۱	زن	جنسیت
۴۹,۶	۶۵۱	مرد	
۳۶,۲	۴۷۱	زیر ۳۰ سال	سن
۲۰,۸	۲۷۱	۳۰-۳۹ سال	
۱۶,۷	۲۱۷	۴۰-۴۹ سال	
۱۳,۸	۱۷۹	۵۰-۵۹ سال	
۱۲,۵	۱۶۳	بالای ۶۰ سال	
۲۹,۳	۳۷۱	مجرد	تاهل
۶۵,۹	۸۳۶	متاهل	
۱,۷	۲۱	مطلقه	
۳,۲	۴۰	فوت همسر	
۶۵,۸	۸۵۵	دیپلم و زیر دیپلم	تحصیلات
۲۹,۲	۳۸۰	کاردانی و کارشناسی	
۴,۶	۶۰	کارشناسی ارشد	
۰,۲	۳	دکتری	
۴۹,۱	۶۲۹	فارس	قومیت
۱۹,۲	۲۴۶	ترک	
۱۲,۱	۱۵۵	کرد	
۴,۶	۵۹	عرب	
۲,۶	۳۳	لر	
۱۰,۰	۱۲۸	گیلک	
۲,۴	۳۱	سایر	

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی

تحلیل عاملی به سبب نیرومندی، ظرافت و نزدیکی آن به هسته هدف علمی ملکه روش‌های تحلیلی است (کرلینجر، ۱۹۸۶). این روش دو هدف اصلی را دنبال می‌کند،

نخست شناسایی عوامل زیربنایی یا زمینه ساز متغیرها. در این راستا وجه مشترک متغیرها با توجه به واریانس مشترک شناسایی و نام گذاری می شود. هدف دوم، تحلیل عاملی شناسایی روابط بین متغیرهای جدید (عاملها) است.

در این بخش تلاش شده است از طریق تحلیل عامل اکتشافی، عوامل و عناصر تشکیل دهنده هویت فردی استخراج و شناسایی شود. قبل از انجام آزمون تحلیل عاملی، آزمون KMO برای اطمینان از کفایت نمونه گیری و آزمون کرویت بارتلت برای اطمینان از قابلیت انجام تحلیل عاملی انجام شده که نتایج این دو آزمون به شرح زیر است:

جدول ۳: اندازه کفایت نمونه گیری KMO و آزمون کرویت بارتلت

مقدار	آزمون
۰,۸۸۳	KMO
۱۶۶۱۱۷,۷۳۷	X^2
۴۰۰۵	df
۰,۰۰۰	p

مقدار آماره $KMO=0,883$ که بیشتر از $0,6$ است، نشان دهنده کفایت نمونه گیری است. از سوی دیگر، از آنجایی که آماره آزمون بارتلت در سطح $p > 0,01$ معنادار است، بنابراین فرض صفر کرویت داده ها رد شده و در نتیجه امکان محاسبات همبستگی و تحلیل عامل وجود دارد.

پس از اطمینان از مناسب بودن داده ها برای انجام تحلیل عاملی، برای تعیین میزان تبیین واریانس توسط عوامل در آزمودنی های پژوهش، از کل واریانس تبیین شده استفاده شد که نتیجه عامل های استخراج شده به شرح زیر است.

جدول ۴: عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه و درصد واریانس

عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
	۱۰,۸۶۶	۱۲,۰۷۴	۱۲,۰۷۴
	۷,۰۵۷	۷,۸۴۲	۱۹,۹۱۵
	۳,۰۹۳	۳,۴۳۷	۲۳,۳۵۲
	۲,۴۵۱	۲,۷۲۴	۲۶,۰۷۶
	۲,۰۵۶	۲,۲۸۵	۲۸,۳۶۰
	۱,۹۶۳	۲,۱۸۱	۳۰,۵۴۱
	۱,۹۵۴	۲,۱۷۲	۳۲,۷۱۳
	۱,۷۶۶	۱,۹۶۳	۳۴,۶۷۶
	۱,۷۶۳	۱,۹۵۹	۳۶,۶۳۵
	۱,۵۸۲	۱,۷۵۷	۳۸,۳۹۲
	۱,۵۷۵	۱,۷۵۰	۴۰,۱۴۲
	۱,۴۷۷	۱,۶۴۱	۴۱,۷۸۳
	۱,۴۴۳	۱,۶۰۳	۴۳,۳۸۶
	۱,۴۴۳	۱,۶۰۳	۴۴,۹۸۹
	۱,۴۳۳	۱,۵۹۳	۴۶,۵۸۲
	۱,۴۳۲	۱,۵۹۱	۴۸,۱۷۳
	۱,۴۲۷	۱,۵۸۶	۴۹,۷۵۸
	۱,۴۲۵	۱,۵۸۳	۵۱,۳۴۱
	۱,۴۰۷	۱,۵۶۴	۵۲,۹۰۵
	۱,۴۰۱	۱,۵۵۶	۵۴,۴۶۱
	۱,۳۸۷	۱,۵۴۱	۵۶,۰۰۲
	۱,۳۷۶	۱,۵۲۸	۵۷,۵۳۰
	۱,۳۱۹	۱,۴۶۶	۵۸,۹۹۶
	۱,۳۰۶	۱,۴۵۲	۶۰,۴۴۸
	۱,۳۰۶	۱,۴۵۱	۶۱,۸۹۹
	۱,۲۸۲	۱,۴۲۴	۶۳,۳۲۳
	۱,۲۷۱	۱,۴۱۲	۶۴,۷۳۵
	۱,۲۵۵	۱,۳۹۵	۶۶,۱۳۰
	۱,۲۵۵	۱,۳۹۵	۶۷,۵۲۵
	۱,۲۲۶	۱,۳۶۳	۶۸,۸۸۷

همان گونه ملاحظه می‌شود، در تحلیل عامل اکتشافی ۳۰ عامل تشکیل شده است که این عوامل در مجموع ۶۸,۸۸ درصد از واریانس هویت فردی این پرسشنامه را تبیین می‌نماید. اما برای انتخاب عامل‌ها و تصفیه آنها دو معیار در نظر گرفته شد: اول اینکه هر عامل دارای

سه آیتم باشد و دوم اینکه بارهای عاملی آنها بالای ۰,۴ باشد. با توجه به اینکه از ۳۰ عامل مورد اشاره، ۱۳ عامل دارای این شرایط بودند، انتخاب و مابقی عامل‌ها از فرایند تحلیل حذف شدند.

در ادامه از روش واریماکس برای چرخش استفاده شد. زیرا بر مبنای مطالعات نظری به نظر می‌رسید عامل‌ها نسبت به هم مستقل باشند. وضعیت بارگذاری عامل‌ها پس از چرخش بر مبنای عامل‌های جدید، که قابل قبول بودند، در جدول زیر آمده است.

جدول ۵: متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی به دست آمده از ماتریس چرخش یافته

بار عاملی	معرف‌ها (متغیرها)	عوامل	
۰,۹۹۸ ۰,۹۹۸ ۰,۹۹۸ ۰,۹۹۸ ۰,۹۹۸ ۰,۹۹۸ ۰,۹۹۸ ۰,۹۹۸ ۰,۹۹۸ ۰,۸۸۴	ارتباط با گروه‌های هم‌زبان و هم‌قوم ارتباط با همکاران و امور شغلی بازی‌های اینترنتی فیلم، موسیقی و ترانه ارتباط‌های خانوادگی و خویشاوندی علمی و آموزشی ورزشی و هنری اخبار و تحلیل‌های سیاسی ارتباط با دوستان سرگرمی، طنز و جوک میزان استفاده از اینترنت	نقش فضای مجازی	۱
۰,۹۹۷ ۰,۹۹۷ ۰,۹۹۶ ۰,۹۹۵ ۰,۹۹۵ ۰,۹۹۴ ۰,۹۹۴	شبکه‌های اجتماعی موبایلی (مثل تلگرام، وایبر، لاین و...) سایت‌های خبری اینترنتی و خبرگزاری‌ها شبکه‌های اجتماعی (مثل فیسبوک، کلوب، و...) شبکه‌های تلویزیونی خارجی و ماهواره روزنامه و مطبوعات شبکه‌های رادیویی شبکه‌های تلویزیونی داخلی	استفاده از ارتباطات جمعی	۲
۰,۷۰۰ ۰,۵۸۹ ۰,۵۵۸ ۰,۵۴۷ ۰,۵۲۶ ۰,۴۴۰	من به شکست‌ها و موفقیت‌های قبلی خودم توجهی ندارم و همیشه از عزت نفس بالایی برخوردارم. ایرانیان در طول تاریخ خدمات زیادی به بشریت کرده‌اند. از ایرانی بودن خود احساس غرور می‌کنم. زندگی در محل تولدم، برای من لذت‌بخش است. از اینکه عضو جامعه اسلامی هستم، احساس غرور می‌کنم. حاضرم از عقاید مذهبی‌ام در حضور جمع دفاع کنم.	ایرانی‌گرایی	۳
۰,۶۶۰	به شرکت در مراسم و مناسبت‌های باستانی همچون عید نوروز و چهارشنبه سوری علاقمندم.	اهمیت	۴

تحلیل عناصر و مؤلفه‌های هویت فردی در ایران ۳۱۷

۰.۵۹۲	یکی از زمینه‌های همبستگی ایرانیان با یکدیگر، وجود روابط اقتصادی، اجتماعی میان آنان است.	مناسک ملی	
۰.۴۹۱	تمامی آداب و رسوم رفتاری من، از محیطی که در آن زندگی می‌کنم، متأثر می‌شود.		
۰.۴۱۲	ارتباط فرهنگی با منطقه محل تولدم را قطع نمی‌کنم.		
۰.۶۸۱	سعی می‌کنم از اعضای دیگر گروه‌های قومی فاصله بگیرم.	ملی‌گرایی	۵
۰.۴۳۹	دفاع از ایران را بر دفاع از سرزمین قومی‌ام ترجیح می‌دهم		
۰.۴۳۴	من کسانی را ایرانی می‌دانم که به مراسم و مناسبت‌های ایرانی پای‌بند هستند.		
۰.۷۲۰	کسی حق ندارد در خصوص نوع پوشش من تصمیم بگیرد.	اهمیت فرهنگ قومی	۶
۰.۶۵۹	پاسداری و حفظ زبان قومی را وظیفه خود می‌دانم.		
۰.۵۹۵	فرهنگ من یکی از کهن‌ترین فرهنگ‌های جهان است.		
۷۹۵.	قومیت خود را از دیگر اقوام برتر می‌دانم.	کمال‌گرایی	۷
۰.۶۲۰	عزت نفس بُعدی از انسان هست که با عوامل بیرونی تغییر نمی‌کند.		
۰.۵۸۰	علم‌آموزی را بر هر فعالیت دیگری ترجیح می‌دهم.		
۰.۸۲۱	راه‌های زیادی برای تقسیم مسئولیت در زندگی خانوادگی وجود دارد، اکنون می‌دانم چه راه و روشی را در زندگی آینده خود می‌پسندم.	تمایز یافتگی فردی	۸
۰.۷۵۹	من با افراد مختلفی دوست بوده‌ام و اکنون دقیقاً می‌دانم دوستانم باید دارای چه خصوصیتی باشند.		
۰.۵۴۵	به دنبال انتخاب شیوه‌ای مناسب برای تقسیم مسئولیت در زندگی خانوادگی هستم.		
۰.۶۴۳	در مورد روش‌های انتخاب همسر خیلی فکر کرده‌ام و سعی کردم بفهمم کدام روش برایم بهتر است.	تمایز یافتگی عاطفی	۹
۰.۶۱۸	خانواده بیشتر از هر چیزی دارای اهمیت بوده و بر خیلی از امور اولویت دارد.		
۰.۵۴۲	معیار من برای انتخاب دوستان نزدیکم ارزش‌هایی است که شخصاً در مورد آنها تصمیم گرفته‌ام.		
۰.۷۲۵	دین می‌تواند نیازها و مسائل اجتماعی کشور را پاسخ دهد.	اهمیت دین	۱۰
۰.۶۰۹	به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنم.		
۰.۴۰۴	لازمه موفقیت در زندگی امروزی، توجه به ارزش‌های دینی است.		
۰.۵۸۲	من به فرهنگ قومی خودم افتخار می‌کنم.	اهمیت جامعه قومی	۱۱
۰.۵۷۹	در قبال مردم هم‌زبان و هم‌شهریانم احساس مسئولیت می‌کنم.		
۰.۵۲۲	دلایل عقب‌ماندگی اقوام را باید بیرون از حوزه اراده و تصمیم آنان جستجو کرد.		
۰.۴۶۰	هوش بالای خودم را عامل اصلی ایفای نقش اجتماعی‌ام در جامعه می‌دانم.		
۰.۷۶۶	نگرش من راجع به نقش و مسئولیت زن و مرد، همان نظر سنت است.	اهمیت ارزش‌های سنتی	۱۲
۰.۷۱۴	بیشتر مواقع تلاش می‌کنم ارزش‌های گذشته را پاسداری کنم.		
۰.۴۹۰	از معاشرت با افرادی که همسر غیرمذهبی دارند پرهیز می‌کنم.		
۰.۷۹۵	من زندگی در سرزمین خود را به زندگی در کشورهای پیشرفته ترجیح می‌دهم.	اهمیت سرزمین قومی	۱۳
۰.۵۶۷	فقط افرادی که ساکن منطقه قومی من هستند، هموطن من محسوب می‌شوند.		
۰.۵۰۱	همه افکار و عقاید من ساخته و پرداخته منطقه‌ای هست که در آن زندگی می‌کنم.		

عوامل استخراج شده هویت فردی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از آن است که هویت فردی دارای ۱۳ عامل نقش فضای مجازی، ارتباطات جمعی، بعد ایران‌گرایی، اهمیت مناسک ملی، ملی‌گرایی، اهمیت فرهنگ قومی، تمایز یافتگی فردی، بعد تمایز یافتگی عاطفی، اهمیت دین، اهمیت جامعه قومی، بعد ارزش‌های سنتی و اهمیت

سرزمین قومی هستند که باهم هویت فردی افراد را تعیین می‌کنند.

میزان توافق در ابعاد هویت فردی در جامعه ایران

بعد از تعیین ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی تلاش شد اهمیت و وزن هر یک از ابعاد از طریق درصد توافق و میانگین نمرات تعیین شود که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۶: میزان توافق پاسخگویان نسبت به ابعاد هویت فردی

عامل‌ها	تعداد	درصد توافق	انحراف معیار
۱ اهمیت سرزمین قومی	۱۲۹۷	۳۷,۸۵	۱۸,۹۷
۲ کمال‌گرایی	۱۲۹۷	۳۵,۱۳	۱۹,۱۹
۳ اهمیت ارزش‌های سنتی	۱۲۹۵	۳۵,۰۹	۱۶,۳۷
۴ بعد ارتباطات جمعی	۱۳۰۹	۳۳,۷۰	۱۶,۳۹
۵ ملی‌گرایی	۱۲۹۲	۳۱,۹۰	۱۷,۱۳
۶ اهمیت جامعه قومی	۱۲۸۰	۳۰,۸۵	۱۶,۹۵
۷ اهمیت مناسک ملی	۱۲۸۸	۲۷,۱۶	۱۶,۵۴
۸ اهمیت دین	۱۲۹۰	۲۴,۹۸	۱۷,۴۷
۹ تمایز یافتگی عاطفی	۱۲۹۴	۲۳,۲۴	۱۵,۸۵
۱۰ نقش فضای مجازی	۱۲۶۱	۲۲,۵۴	۲۱,۲۹
۱۱ اهمیت فرهنگ قومی	۱۳۰۱	۲۱,۲۵	۱۵,۲۷
۱۲ تمایز یافتگی فردی	۱۳۰۲	۲۰,۵۰	۱۵,۵۲
۱۳ ایران‌گرایی	۱۲۸۵	۲۰,۲۷	۱۳,۲۳

بر اساس نتایج به دست آمده، عوامل اهمیت سرزمین قومی، کمال‌گرایی و اهمیت ارزش‌های سنتی دارای بیشترین مقدار میانگین هستند. بعد از این عامل‌ها، عوامل استفاده از ارتباطات جمعی، ملی‌گرایی، اهمیت جامعه قومی، اهمیت مناسک ملی، اهمیت دین، تمایز یافتگی عاطفی، نقش فضای مجازی، تمایز یافتگی فردی و ایران‌گرایی قرار دارد. از بین این مؤلفه‌ها، عامل نقش فضای مجازی دارای بیشترین میزان انحراف معیار (۲۱,۲۹) و مؤلفه ایران‌گرایی دارای کمترین میزان انحراف معیار (۱۳,۲۴) است.

تفاوت ابعاد هویت فردی بر اساس جنسیت

در جدول ۷ نتایج مربوط به اهمیت و میانگین هر یک از عامل‌ها با توجه به جنسیت پاسخگویان تفکیک شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون اختلاف میانگین عوامل هویت فردی بر حسب جنسیت

Sig.	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنسیت	عنوان
.۰۰۰۰	۱۹,۹۸۵۵۷	۱۹,۸۸۹۰	۶۳۹	زن	نقش فضای مجازی
	۲۲,۲۴۰۶۵	۲۵,۲۷۰۴	۶۲۲	مرد	
.۰۰۰۰	۱۵,۰۱۴۸۹	۳۰,۳۵۱۷	۶۵۸	زن	ارتباطات جمعی
	۱۷,۳۷۴۸۳	۳۵,۰۸۱۹	۶۵۱	مرد	
.۰۸۵۸	۱۲,۷۶۹۰۸	۲۰,۲۱۲۳	۶۴۶	زن	ایران‌گرایی
	۱۳,۷۰۸۰۲	۲۰,۳۴۴۳	۶۳۹	مرد	
.۰۸۳۸	۱۶,۷۸۳۵۶	۲۷,۲۵۳۱	۶۵۴	زن	اهمیت مناسک ملی
	۱۶,۳۰۲۶۶	۲۷,۰۶۴۴	۶۳۴	مرد	
.۰۹۰۹	۱۷,۷۴۵۳۵	۳۱,۹۶۳۲	۶۵۲	زن	ملی‌گرایی
	۱۶,۴۹۶۲۵	۳۱,۸۵۴۲	۶۴۰	مرد	
.۰۱۰۸	۱۵,۲۶۵۰۸	۲۱,۹۲۹۵	۶۵۷	زن	اهمیت فرهنگ قومی
	۱۵,۲۶۳۰۷	۲۰,۵۶۸۶	۶۴۴	مرد	
.۰۹۶۷	۱۹,۲۵۶۷۰	۳۵,۱۵۶۴	۶۵۴	زن	کمال‌گرایی
	۱۹,۱۵۲۹۰	۳۵,۱۱۱۹	۶۴۳	مرد	
.۰۲۶۱	۱۴,۴۹۵۳۹	۲۰,۰۲۸۲	۶۵۸	زن	تمایز یافتگی فردی
	۱۶,۵۱۳۳۸	۲۰,۹۹۶۰	۶۴۴	مرد	
.۰۹۲۵	۱۵,۵۹۷۳۶	۲۳,۲۸۲۱	۶۵۰	زن	تمایز یافتگی عاطفی
	۱۶,۱۱۴۲۰	۲۳,۱۹۸۸	۶۴۴	مرد	
.۰۱۶۷	۱۶,۷۸۲۸۱	۲۴,۳۱۷۶	۶۵۱	زن	اهمیت دین
	۱۸,۱۴۱۷۲	۲۵,۶۶۵۱	۶۳۹	مرد	
.۰۵۱۲	۱۶,۹۵۱۹۴	۳۱,۱۶۱۱	۶۴۹	زن	اهمیت جامعه قومی
	۱۶,۹۷۴۰۹	۳۰,۵۳۹۸	۶۳۱	مرد	
.۰۰۳۰	۱۶,۲۳۷۵۰	۳۴,۱۲۰۷	۶۵۲	زن	اهمیت ارزش‌های سنتی
	۱۶,۴۷۳۳۵	۳۶,۰۹۱۲	۶۴۳	مرد	
.۰۸۴۰	۱۹,۰۷۵۳۸	۳۷,۷۴۵۷	۶۵۴	زن	اهمیت سرزمین قومی
	۱۸,۸۸۲۵۳	۳۷,۹۵۸۲	۶۴۳	مرد	

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که زنان در عوامل اهمیت مناسک ملی، ملی‌گرایی، اهمیت فرهنگ قومی، کمال‌گرایی، تمایز یافتگی عاطفی و اهمیت جامعه قومی میانگین بالاتری نسبت به مردان دارند. بیشترین میزان اختلاف میانگین در عامل‌های اهمیت فرهنگ قومی و اهمیت جامعه قومی است که میانگین عامل اهمیت فرهنگ قومی برای زنان برابر ۲۱٫۹ و برای مردان برابر ۲۰٫۵، و میانگین اهمیت جامعه قومی برای زنان برابر با ۳۱٫۲ و برای مردان ۳۰٫۵ است؛ هر چند هیچ یک از تفاوت‌های مشاهده‌شده از نظر آماری معنادار نیست.

در مقابل مردان در عوامل نقش فضای مجازی، گستره ارتباطات جمعی، ایران‌گرایی، تمایز یافتگی فردی، اهمیت دین و اهمیت سرزمین قومی میانگین بالاتری نسبت به زنان دارند. تفاوت‌های مشاهده‌شده در عامل‌های نقش فضای مجازی (Sig: ۰٫۰۰۰)، استفاده از ارتباطات جمعی (Sig: ۰٫۰۰۰) و اهمیت ارزش‌های سنتی معنادار (Sig: ۰٫۰۳۰) است؛ ولی اختلاف میانگین مشاهده‌شده در سایر عامل‌ها معنادار نیست.

تفاوت ابعاد هویت فردی بر اساس قومیت

نقش فضای مجازی

بررسی میزان میانگین نقش فضای مجازی در حیات اجتماعی پاسخگویان بر حسب اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این عامل در قوم عرب با میانگین ۲۸٫۷۰ و قوم لر با میانگین ۲۷٫۸۷ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از این عامل‌ها، قوم فارس با میانگین ۲۴٫۲۳، قوم کرد با میانگین ۲۳٫۶۷ و قوم گیلک با میانگین ۲۲٫۸۶ و قوم ترک با میانگین ۱۵٫۲۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۸: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل نقش فضای مجازی بر حسب قومیت

Sig.	F	مقدار F	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
		۰٫۸۳۴۸۳	۲۰٫۳۶۳۶۰	۲۴٫۲۳۲۲	۵۹۵		فارس
		۱٫۲۱۳۶۴	۱۸٫۸۰۱۶۸	۱۵٫۲۶۵۲	۲۴۰		ترک
		۱٫۸۰۴۴۶	۲۲٫۳۱۹۸۹	۲۳٫۷۶۷۱	۱۵۳		کرد
		۳٫۰۸۴۹۷	۲۳٫۲۹۱۰۳	۲۸٫۷۰۸۱	۵۷		عرب
	۶٫۳۲۵	۴٫۶۳۲۰۶	۲۵٫۳۷۰۸۱	۲۷٫۸۷۸۸	۳۰		لر
		۲٫۰۸۸۵۱	۲۳٫۶۲۸۷۷	۲۲٫۸۶۹۳	۱۲۸		گیلک
		۴٫۰۱۷۰۰	۲۲٫۰۰۲۰۱	۱۷٫۵۷۵۸	۳۰		سایر
۰٫۰۰۰		۰٫۵۹۹۵۵	۲۱٫۲۹۰۴۲	۲۲٫۵۴۴۴	۱۲۶۱		کل

با توجه به مقدار آزمون لون (Sig: ۰,۰۶۸) و تأیید فرض نابرابری واریانس برای بررسی تفاوت معناداری از آزمون دانت‌سی^۱ استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین این متغیر در گروه قومی فارس با قوم ترک، قوم ترک با اقوام فارس، کرد، عرب و گیلک، قوم کرد با قوم ترک، قوم عرب با قوم ترک و قوم گیلک با قوم ترک تفاوت معنادار دارد. میانگین متغیر نقش فضای مجازی قوم لر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد^۲.

ارتباطات جمعی

بررسی میزان میانگین استفاده از ارتباطات جمعی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم لر با میانگین ۳۹,۸۲، قوم عرب با میانگین ۳۷,۵۳ و قوم گیلک با میانگین ۳۶,۶۰ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها قوم فارس با میانگین ۳۲,۷۷، قوم ترک با میانگین ۳۰,۶۶ و قوم کرد با میانگین ۳۰,۱۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۹: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل استفاده از ارتباطات جمعی بر حسب قومیت

Sig.	مقدار F	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰,۰۴۳	۴,۰۱۹	۰,۶۲۰۴۱	۱۵,۵۲۲۶۴	۳۲,۷۷۰۴	۶۲۶	فارس
		۱,۰۸۶۶۷	۱۷,۰۴۳۷۳	۳۰,۶۶۲۰	۲۴۶	ترک
		۱,۱۸۸۲۲	۱۴,۷۹۳۱۹	۳۰,۱۳۸۲	۱۵۵	کرد
		۲,۴۶۳۹۳	۱۸,۹۲۵۸۲	۳۷,۵۳۰۳	۵۹	عرب
		۳,۸۲۰۲۱	۲۱,۹۴۵۴۳	۳۹,۸۲۶۸	۳۳	لر
		۱,۵۰۱۱۶	۱۶,۹۸۳۷۰	۳۶,۶۰۷۱	۱۲۸	گیلک
		۳,۴۶۴۹۱	۱۹,۲۹۱۸۳	۳۹,۹۵۳۹	۳۱	سایر
		۰,۴۵۳۲۲	۱۶,۳۹۷۳۷	۳۲,۷۰۷۶	۱۳۰۹	کل

با توجه به مقدار آزمون لون (Sig: ۰,۰۰۰) و تأیید فرض نابرابری واریانس برای بررسی تفاوت معناداری از آزمون شف^۳ استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین میانگین گروه‌های

1. Dunnett's C

۲. لازم به ذکر است با توجه به اینکه ارائه جداول آزمون دانت‌سی و شفه برای متغیرهای مورد بررسی باعث اطناب و تطویل مطلب می‌شد، از ارائه جداول مربوطه خودداری و تنها به ذکر نتایج آنها اکتفا شد.

3. Scheffe

مورد بررسی در متغیر ارتباطات جمعی تفاوت معناداری وجود ندارد.

ایران گرایی

بررسی میزان میانگین ایران گرایی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که اهمیت این بعد برای قوم کرد با میانگین ۲۷,۳۷ و قوم ترک ۲۲,۳۵ بیشتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم گیلک با میانگین ۱۸,۵۳، قوم لر با میانگین ۱۸,۳۴، قوم فارس با میانگین ۱۸,۰۱ و قوم عرب با ۱۵,۶۰ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۰: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل ایران گرایی برحسب قومیت

Sig.	F مقدار	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
		۰,۵۰۲۷۶	۱۱,۷۴۷۸۲	۱۸,۰۱۴۱	۵۴۶	فارس
		۰,۸۷۱۴۵	۱۲,۷۷۸۰۳	۲۲,۳۵۸۸	۲۱۵	ترک
		۱,۳۶۶۲۲	۱۵,۹۹۱۱۵	۲۷,۳۷۲۳	۱۳۷	کرد
		۱,۲۰۱۵۰	۹,۰۷۱۱۰	۱۵,۶۰۱۵	۵۷	عرب
	۱۲,۹۵۵	۲,۲۸۸۶۴	۱۲,۳۲۴۷۲	۱۸,۳۴۹۸	۲۹	لر
		۱,۲۰۷۲۱	۱۳,۳۳۴۱۰	۱۸,۵۳۰۴	۱۳۲	گیلک
		۱,۳۵۸۴۳	۷,۴۴۰۴۴	۱۵,۲۳۸۱	۳۰	سایر
۰,۰۰۰		۰,۳۸۰۴۵	۱۲,۹۸۰۰۶	۱۹,۹۵۵۸	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قوم فارس در متغیر ایران گرایی با قوم ترک و کرد، قوم ترک با قوم فارس، قوم کرد با اقوام فارس، عرب و گیلک و قوم عرب با قوم کرد تفاوت معنادار دارد. میانگین قوم لر در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

اهمیت مناسک ملی

بررسی میزان میانگین بعد اهمیت مناسک ملی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم عرب با میانگین ۳۳,۷۴ و قوم کرد با میانگین ۳۳,۴۹ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم ترک با میانگین ۲۹,۷۶، قوم لر با میانگین ۲۸,۶۰، قوم گیلک با میانگین ۲۶,۶۱ و قوم فارس با میانگین ۲۴,۱۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۱: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل اهمیت مناسک ملی برحسب قومیت

Sig.	F مقدار	اِستبَاه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
.۰۰۰۰	۹,۰۳۵	۰,۶۵۷۹۳	۱۵,۳۷۳۶۷	۲۴,۱۶۵۱	۵۴۶	فارس
		۱,۰۳۴۲۱	۱۵,۱۶۴۴۵	۲۹,۷۶۷۴	۲۱۵	ترک
		۱,۵۹۴۵۷	۱۸,۶۶۳۹۳	۳۲,۴۹۰۸	۱۳۷	کرد
		۱,۷۷۶۲۶	۱۳,۴۱۰۴۳	۳۳,۷۴۶۱	۵۷	عرب
		۲,۵۷۳۷۵	۱۳,۸۶۰۰۶	۲۸,۶۰۰۴	۲۹	لر
		۱,۶۰۴۵۹	۱۷,۷۲۳۲۷	۲۶,۶۱۵۲	۱۲۲	گیلک
		۳,۰۰۳۴۰	۱۶,۴۵۰۲۹	۳۰,۵۸۸۲	۳۰	سایر
		۰,۴۸۰۷۴	۱۶,۴۰۱۵۶	۲۷,۴۶۶۱	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قومی فارس در متغیر اهمیت مناسک ملی با قوم ترک، کرد و عرب و اقوام ترک، کرد و عرب با قوم فارس تفاوت معنادار دارد. میانگین قوم لر و قوم گیلک در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

ملی‌گرایی

بررسی میزان میانگین ملی‌گرایی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم کرد با میانگین ۳۸,۲۹، قوم عرب ۳۷,۱۹ و قوم لر با میانگین ۳۷,۰۱ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها قوم ترک با میانگین ۳۵,۰۵۰، قوم فارس با میانگین ۳۰,۲۳ و قوم گیلک با میانگین ۲۶,۸۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۲: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل ملی‌گرایی برحسب قومیت

Sig.	F مقدار	اِستبَاه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
.۰۰۰۰	۱۰,۲۴۲	۷۲۳۰۰	۱۶,۸۹۴۰۸	۳۰,۳۳۲۰	۵۴۶	فارس
		۱,۰۲۸۵۶	۱۵,۰۸۱۷۰	۳۵,۵۰۳۹	۲۱۵	ترک
		۱,۶۰۸۰۷	۱۸,۸۲۱۹۹	۳۸,۲۹۶۸	۱۳۷	کرد
		۲,۳۷۷۳۰	۱۷,۹۴۸۲۲	۳۷,۱۹۳۰	۵۷	عرب
		۳,۱۸۳۶۰	۱۷,۱۴۴۲۳	۳۷,۰۱۱۵	۲۹	لر
		۱,۱۲۰۲۸	۱۲,۳۷۵۰۱	۲۶,۸۳۰۶	۱۲۲	گیلک
		۲,۹۳۵۶۷	۱۶,۰۷۹۳۱	۲۶,۰۰۰۰	۳۰	سایر
		۴۹۶۱۷	۱۶,۹۲۷۹۸	۳۲,۳۶۵۴	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قومی فارس در متغیر ملی‌گرایی با قوم ترک و کرد، قوم ترک با اقوام فارس و گیلک، قوم کرد با اقوام فارس و گیلک و قوم عرب با قوم کرد تفاوت معنادار دارد. میانگین قوم لر در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

اهمیت فرهنگ قومی

بررسی میزان میانگین اهمیت فرهنگ قومی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم ترک با میانگین ۲۷,۰۱ و قوم کرد با میانگین ۲۶,۶۱ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم عرب با میانگین ۲۱,۰۵، قوم فارس با میانگین ۱۸,۰۷، قوم گیلک با میانگین ۱۷,۵۲ و قوم لر با میانگین ۱۷,۵۰ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۳: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل اهمیت فرهنگ قومی برحسب قومیت

Sig.	F مقدار	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
		۶۰۸۵۲.	۱۴,۲۱۹۰۲	۱۸,۰۷۵۵	۵۴۶	فارس
		۱,۰۱۰۳۳	۱۴,۸۱۴۳۹	۲۷,۰۱۲۵	۲۱۵	ترک
		۱,۵۳۰۹۶	۱۷,۹۱۹۴۲	۲۶,۶۱۴۳	۱۳۷	کرد
		۱,۷۷۰۲۶	۱۳,۳۶۵۱۴	۲۱,۰۵۲۶	۵۷	عرب
۰,۰۰۰	۱۳,۷۶۶	۲,۰۵۲۱۹	۱۱,۰۵۱۳۶	۱۷,۵۰۶۶	۲۹	لر
		۹۹۴۰۶.	۱۰,۹۷۹۷۹	۱۷,۵۲۸۴	۱۲۲	گیلک
		۲,۱۱۶۵۶	۱۱,۵۹۲۸۶	۱۴,۸۷۱۸	۳۰	سایر
		۴۳۵۸۱.	۱۴,۸۶۸۵۷	۲۰,۷۹۰۴	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قوم فارس در متغیر اهمیت فرهنگ قومی با قوم ترک و کرد، قوم ترک با اقوام فارس و گیلک، قوم کرد با اقوام فارس و گیلک و قوم عرب با قوم ترک و کرد تفاوت معنادار دارد. میانگین قوم لر و عرب در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

کمال‌گرایی

بررسی میزان میانگین کمال‌گرایی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم کرد با میانگین ۳۸,۱۰ و قوم لر با میانگین ۳۷,۲۵ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها قوم ترک با میانگین ۳۶,۲۸، قوم فارس با میانگین ۳۴,۴۴، قوم عرب با میانگین ۳۴,۰۰ و قوم گیلک با میانگین ۳۳,۵۵ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۴: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل کمال‌گرایی برحسب قومیت

Sig.	F	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
		۷۵۰۹۹.	۱۸,۷۴۴۶۸	۳۴,۴۴۸۷	۶۲۳	فارس
		۱,۲۴۴۳۲	۱۹,۴۳۶۹۳	۳۶,۲۸۶۳	۲۴۴	ترک
		۱,۶۲۴۱۰	۲۰,۰۸۸۹۵	۳۸,۱۰۹۶	۱۵۳	کرد
		۲,۲۳۶۷۸	۱۶,۸۱۷۳۹	۳۴,۰۰۸۱	۵۷	عرب
۰,۰۴۴	۲,۵۳۳	۲,۵۱۷۱۱	۱۴,۲۳۸۹۰	۳۷,۲۵۹۶	۳۲	لر
		۱,۸۸۳۴۶	۲۱,۲۲۵۴۷	۳۳,۵۵۵۴	۱۲۷	گیلک
		۳,۳۳۴۶۸	۱۸,۵۶۶۷۰	۲۵,۵۵۸۳	۳۱	سایر
		۵۳۳۰۷.	۱۹,۱۹۷۹۱	۳۵,۱۳۴۳	۱۲۹۷	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین هیچ یک از اقوام مورد بررسی در عامل کمال‌گرایی با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد.

تمایز یافتگی فردی

بررسی میزان میانگین تمایز یافتگی فردی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم کرد با میانگین ۲۶,۵۳ و قوم ترک با میانگین ۲۲,۷۲ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم عرب با میانگین ۲۰,۱۷، قوم گیلک با میانگین ۱۹,۳۲، قوم فارس با میانگین ۱۷,۵۱ و قوم لر با میانگین ۱۶,۵۰ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۵: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل تمایز یافتگی فردی بر حسب قومیت

Sig.	F مقدار	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
.۰۰۰۰	۷,۹۵۴	۶۳۸۱۷.	۱۴,۹۱۱۷۸	۱۷,۵۱۷۰	۵۴۶	فارس
		۱,۰۳۰۶۵	۱۵,۱۱۲۳۱	۲۲,۷۲۴۳	۲۱۵	ترک
		۱,۴۱۷۶۲	۱۶,۵۹۲۸۲	۲۶,۵۳۸۱	۱۳۷	کرد
		۱,۵۱۸۴۲	۱۱,۴۶۳۸۲	۲۰,۱۷۵۴	۵۷	عرب
		۱,۶۲۸۴۹	۸,۷۶۹۷۰	۱۶,۵۰۲۵	۲۹	لر
		۱,۱۴۸۰۹	۱۲,۶۸۱۰۹	۱۹,۳۲۰۸	۱۲۲	گیلک
		۱,۷۹۲۶۸	۹,۸۱۸۹۱	۲۰,۰۰۰۰	۳۰	سایر
		۰,۴۳۶۲۲	۱۴,۸۱۲۶۵	۲۰,۰۵۴۰	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قوم فارس در عامل تمایز یافتگی فردی با قوم ترک و کرد، قوم ترک با قوم فارس و قوم کرد با اقوام فارس و گیلک تفاوت معنادار دارد. میانگین قوم لر و عرب در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

تمایز یافتگی عاطفی

بررسی میزان میانگین تمایز یافتگی عاطفی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم عرب با میانگین ۳۳,۷۴ و قوم کرد با میانگین ۳۳,۴۹ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم ترک با میانگین ۲۹,۷۶، قوم لر با میانگین ۲۸,۶۰، قوم گیلک با میانگین ۲۶,۶۱ و قوم فارس با میانگین ۲۴,۱۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۶: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل تمایز یافتگی عاطفی بر حسب قومیت

Sig.	F مقدار	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
.۰۰۰۰	۴,۹۳۸	۶۴۶۹۶.	۱۵,۱۱۷۳۰	۲۱,۰۱۳۴	۵۴۶	فارس
		۱,۰۰۳۲۱	۱۴,۷۰۹۹۹	۲۴,۸۹۹۲	۲۱۵	ترک
		۱,۶۲۹۴۰	۱۹,۰۷۱۶۵	۲۸,۴۶۷۲	۱۳۷	کرد
		۱,۶۲۶۲۰	۱۲,۲۷۷۵۴	۱۹,۷۶۶۱	۵۷	عرب
		۲,۲۹۰۶۳	۱۲,۳۳۵۴۰	۲۶,۲۰۶۹	۲۹	لر
		۱,۴۱۳۷۳	۱۵,۶۱۵۱۶	۲۳,۸۲۵۱	۱۲۲	گیلک
		۲,۳۴۱۹۸	۱۲,۸۲۷۵۷	۲۳,۷۷۷۸	۳۰	سایر
		۰,۴۵۶۸۰	۱۵,۵۸۵۰۱	۲۳,۱۲۷۱	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قوم فارس در عامل تمایز یافتگی عاطفی با قوم کرد و قوم کرد با قوم فارس تفاوت معنادار دارد. میانگین قوم ترک، عرب، لر و گیلک در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

اهمیت دین

بررسی میزان میانگین اهمیت دین در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم کرد با میانگین ۲۹,۱۹ و قوم ترک با میانگین ۲۷,۴۷ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم گیلک با میانگین ۲۶,۴۸، قوم لر با میانگین ۲۵,۹۹، قوم فارس با میانگین ۲۲,۳۵ و قوم عرب با میانگین ۱۹,۷۰ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۷: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل اهمیت دین برحسب قومیت

Sig.	مقدار F	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
		۰,۷۳۵۴۷	۱۷,۱۸۵۴۸	۲۲,۳۵۸۴	۵۴۶	فارس
		۱,۱۱۹۵۷	۱۶,۴۱۶۱۱	۲۷,۴۷۷۶	۲۱۵	ترک
		۱,۶۸۱۴۷	۱۹,۶۸۱۱۲	۲۹,۱۹۷۱	۱۳۷	کرد
		۱,۵۰۴۰۷	۱۱,۳۵۵۴۷	۱۹,۷۰۳۱	۵۷	عرب
۰,۰۰۰	۶,۸۶۸	۲,۷۹۰۱۰	۱۵,۰۲۵۱۷	۲۵,۹۹۴۷	۲۹	لر
		۱,۴۷۱۳۷	۱۶,۲۵۱۷۶	۲۶,۴۸۱۷	۱۲۲	گیلک
		۲,۳۴۶۶۶	۱۲,۸۵۳۱۹	۱۸,۲۰۵۱	۳۰	سایر
		۵۰۴۷۶.	۱۷,۲۲۱۰۰	۲۴,۶۸۹۴	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قوم فارس در عامل اهمیت دین با قوم کرد و قوم کرد با قوم فارس تفاوت معنادار دارد. میانگین قوم ترک، عرب، لر و گیلک در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

اهمیت جامعه قومی

بررسی میزان اهمیت جامعه قومی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این عامل در قوم کرد با میانگین ۳۸,۳۸ و قوم ترک با میانگین ۳۵,۸۴ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم لر با میانگین ۳۰,۰۲، قوم فارس با میانگین ۲۹,۵۰، قوم عرب با میانگین ۲۶,۸۶ و قوم گیلک با میانگین ۲۵,۷۴ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۸: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل اهمیت جامعه قومی بر حسب قومیت

Sig.	F	مقدار F	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
		۶۸۱۹.	۱۶,۰۸۰۶۰	۲۹,۵۰۸۷	۵۴۶	فارس
		۱,۱۳۹۲۷	۱۶,۷۰۶۳۷	۳۵,۸۴۱۳	۲۱۵	ترک
		۱,۶۱۱۳۹	۱۸,۸۶۰۸۰	۲۸,۳۸۵۶	۱۳۷	کرد
		۱,۷۹۷۴۴	۱۳,۵۷۰۳۴	۲۶,۸۳۱۸	۵۷	عرب
۰,۰۰۰	۱۱,۳۳۴	۲,۶۰۰۴۴	۱۴,۰۰۳۸۲	۳۰,۰۲۰۳	۲۹	لر
		۱,۳۵۲۷۲	۱۴,۹۴۱۲۹	۲۵,۷۴۷۳	۱۲۲	گیلک
		۲,۸۲۹۹۹	۱۵,۵۰۰۵۱	۲۴,۹۰۲۰	۳۰	سایر
		۴۸۹۹۲.	۱۶,۷۱۴۶۷	۳۱,۰۹۹۷	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قوم فارس در عامل اهمیت جامعه قومی با قوم ترک و کرد، قوم ترک با اقوام فارس و گیلک، قوم کرد با اقوام فارس، عرب و گیلک، قوم عرب با قوم کرد و قوم گیلک با اقوام ترک و کرد تفاوت معنادار دارد. میانگین قوم لر در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

اهمیت ارزش‌های سنتی

بررسی میزان اهمیت بعد سنت‌گرایی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم کرد با میانگین ۳۶,۲۰، قوم گیلک با میانگین ۳۳,۴۹ و قوم فارس با میانگین ۳۵,۱۷ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم ترک با میانگین ۳۴,۸۸، قوم لر با میانگین ۳۴,۰۲ و قوم عرب با میانگین ۳۰,۷۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۱۹: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل اهمیت ارزش‌های سنتی بر حسب قومیت

Sig.	F مقدار	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰,۲۲۷	۱,۳۴۲	۷۲۶۰۳.	۱۶,۹۶۴۸۹	۳۵,۱۷۷۰	۵۴۶	فارس
		۹۹۷۶۵.	۱۴,۶۲۸۴۷	۳۴,۸۸۳۷	۲۱۵	ترک
		۱,۶۰۹۲۱	۱۸,۸۳۵۳۰	۳۶,۲۰۴۴	۱۳۷	کرد
		۱,۶۹۱۵۸	۱۲,۷۷۱۱۵	۳۰,۷۶۰۲	۵۷	عرب
		۳,۱۴۴۸۳	۱۶,۹۳۵۴۴	۳۴,۰۲۳۰	۲۹	لر
		۱,۴۱۷۹۲	۱۵,۶۶۱۴۶	۳۵,۳۵۵۲	۱۲۲	گیلک
		۲,۶۸۵۷۶	۱۴,۷۱۰۴۹	۳۶,۰۰۰۰	۳۰	سایر
		۴۷۹۳۷.	۱۶,۳۵۵۰۰	۳۵,۱۰۸۸	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون دانت‌سی (با رد برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین هیچ یک از اقوام مورد بررسی در عامل اهمیت ارزش‌های سنتی با یکدیگر تفاوت معناداری وجود ندارد.

اهمیت سرزمین قومی

بررسی میزان بعد اهمیت سرزمین قومی در بین اقوام مختلف نشان می‌دهد که میزان اهمیت این بعد در قوم لر با میانگین ۴۲,۱۱ و قوم عرب با میانگین ۴۰,۲۲ بالاتر از سایر اقوام است. بعد از آنها، قوم فارس با میانگین ۳۹,۰۳، قوم کرد با میانگین ۳۸,۸۹، قوم ترک با میانگین ۳۸,۵۳ و قوم گیلک با میانگین ۳۰,۷۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۲۰: نتایج آزمون اختلاف میانگین عامل اهمیت سرزمین قومی بر حسب قومیت

Sig.	F مقدار	اشتباه استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰,۰۰۳	۳,۱۴۳	۸۴۷۵۷.	۱۹,۸۰۴۸۹	۳۹,۰۳۷۲	۵۴۶	فارس
		۱,۰۹۱۰۰	۱۵,۹۹۷۲۴	۳۸,۵۳۸۲	۲۱۵	ترک
		۱,۴۹۱۰۰	۱۷,۴۵۱۶۹	۳۸,۸۹۴۷	۱۳۷	کرد
		۲,۲۵۸۹۹	۱۷,۰۵۵۰۲	۴۰,۲۲۵۶	۵۷	عرب
		۲,۳۳۳۸۷	۱۲,۵۶۸۳۰	۴۲,۱۱۸۲	۲۹	لر
		۱,۷۴۱۷۷	۱۹,۲۳۸۵۳	۳۰,۷۳۷۷	۱۲۲	گیلک
		۳,۱۳۷۵۸	۱۷,۱۸۵۲۲	۳۶,۱۹۰۵	۳۰	سایر
		۵۵۰۲۸.	۱۸,۷۷۴۲۵	۳۸,۱۶۸۹	۱۱۶۴	کل

نتایج آزمون شفه (با تایید برابری واریانس) نشان می‌دهد که از بین گروه‌های مورد بررسی، میانگین گروه قوم فارس در عامل اهمیت سرزمین قومی با قوم گیلک و قوم گیلک با قوم فارس تفاوت معنادار دارد. میانگین اقوام ترک، کرد، عرب و لر در این متغیر با هیچ یک از اقوام مورد بررسی تفاوت معناداری ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر خلاف تصور عمومی از هویت فردی، هویت فردی دارای ابعاد اجتماعی و جمعی است. زیرا هویت حاصل زیست اجتماعی انسان بوده و در کنش متقابل بین اعضای جامعه و گروه‌های اجتماعی ساخته می‌شود. به همین دلیل در ساختمان هویت فردی هر یک از اعضای جامعه، عوامل متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عاطفی، دینی، تاریخی و ... دخیل است. هدف اصلی این مقاله شناسایی، تعیین و تبیین عناصر تشکیل‌دهنده هویت فردی ایرانیان است. برای رسیدن به این هدف، تلاش شد تا از حیطة نظری روان‌شناسی فاصله گرفته و به مطالعات حوزه جامعه‌شناختی نزدیک شود. بنابراین در مرحله اول بر شناسایی مشخصات کلی یک تعریف جامع از هویت فردی تمرکز شد. این امر مستلزم شناسایی ابعاد نظری و تجربی موضوع مورد مطالعه در پژوهش‌های گذشته بود.

با مرور مطالعات گذشته تلاش شد عوامل مختلف و ابعاد گوناگون هویت فردی شناسایی و جمع‌آوری شود. سپس بر اساس این مؤلفه‌ها، پرسشنامه‌ای تدوین و از طریق تحلیل عاملی اکتشافی ابعاد و عامل‌های هویت فردی شناسایی شد. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی نشان داد که عوامل مختلفی از جمله عوامل تاریخی، ملی، اجتماعی، مذهبی، قومی، عاطفی و همچنین رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی در ساخت هویت فردی ایرانیان دارند. به طور کلی ۱۳ عامل کلی در هویت فردی شناسایی شد که تقریباً ۶۰ درصد از واریانس هویت فردی را تبیین می‌کرد. عامل‌های اهمیت سرزمین قومی، کمال‌گرایی، اهمیت ارزش‌های سنتی، بعد ارتباطات جمعی، ملی‌گرایی، اهمیت جامعه قومی، اهمیت مناسک ملی، اهمیت دین، تمایز یافتگی عاطفی، نقش فضای مجازی، اهمیت فرهنگ قومی، تمایز یافتگی فردی و ایران‌گرایی از عوامل به دست آمده از تحلیل عاملی بودند. تحلیل عوامل به دست آمده نشان می‌دهد که ویژگی‌های عاطفی و فردی، قومیت، ملیت، مذهب و ارزش‌های سنتی نقش مهمی در ساخت هویت فردی ایرانیان دارند و به‌رغم گسترش جهانی شدن و نفوذ ارزش‌های جهانی، ارزش‌های کهن قومی، ملی و مذهبی هنوز

نقش محوری در هویت فردی ایرانیان دارد. نکته بعدی که می‌توان بدان اشاره کرد اهمیت عامل استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نقش پررنگ رسانه‌های اجتماعی نوین از جمله اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در ساختمان فردی است. نقشی که شاید در گذشته آن چنان برجسته و پررنگ نبود ولی امروزه اهمیت قابل توجهی در حیات اجتماعی و فردی جامعه ایرانی پیدا کرده است.

نتایج به دست آمده نشان داد که اگر چه جنسیت نقش پررنگی در هویت‌یابی فردی ایرانیان ندارد، اما به مرور نشانه‌های از تمایز یافتگی بر اساس جنسیت در حال شکل‌گیری است. به عنوان مثال، در تفاوت در سه عامل ارتباطات جمعی، نقش فضای مجازی و ارزش‌های سنتی بین زنان و مردان معنادار بود. کم شدن نقش و اهمیت ارزش‌های سنتی در بین زنان نسبت به مردان نشان از آن دارد که در آینده تغییرات قابل توجهی در جهان‌بینی زنان نسبت به ارزش‌های سنتی قابل پیش‌بینی است و احتمالاً چالش‌هایی را نیز در حیات اجتماعی و سیاسی کشور به دنبال داشته باشد.

تحلیل نتایج عامل‌های هویت فردی بر اساس قومیت پاسخگویان نیز نتایج جالب و قابل تاملی به دست داد. یکی از این نتایج این بود که بین اقوام مختلف کشور تنها در سه عامل ارتباطات جمعی، کمال‌گرایی و اهمیت ارزش‌های سنتی تفاوت معناداری در هویت‌یابی مشاهده نشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که هویت‌یابی در بین اقوام مختلف مسیرهای مختلفی را در حال طی کردن است. در واقع، نتایج تحلیل تفاوت میانگین نشان می‌دهد که در بسیاری از عامل‌ها دو یا سه گروه در هویت‌یابی بر اساس قومیت را می‌توان شناسایی کرد. به عنوان مثال، در بحث اهمیت، دین قوم کرد تفاوت معناداری با قوم فارس دارد و به تنهایی گروه متفاوتی از نظر اهمیت دین در حیات اجتماعی ایجاد کرده است که با بقیه اقوام متفاوت است. همچنین در خصوص عامل گرایشی نیز چنین گروه‌بندی قابل مشاهده است. به طوری که بین اقوام فارس و گیلک و همچنین بین اقوام ترک، لر، عرب و کرد شباهت‌هایی قابل مشاهده است که البته نیاز به پیمایش جداگانه و بررسی‌های دقیق دارد.

فارغ از تفاوت‌های جزئی، چند موضوع برجسته در نتایج این پژوهش قابل مشاهده است. اول اینکه عوامل شکل‌دهنده هویت فردی در ایران متکثر، پویا و چندگانه است. به طوری که نقش عواملی چون دین، قومیت، سرزمین، تفاوت‌ها و تمایزات فردی، رسانه‌های جمعی و ... در هویت فردی ایرانیان قابل مشاهده است. این یافته با یافته‌های

پژوهش رفعت‌جاه (۱۳۸۳) در خصوص نقش ارزش‌ها و نگرش‌ها در هویت شخصی اشخاص، پژوهش شالچی (۱۳۸۴) و برجعلی (۱۳۹۲) در خصوص نقش دین و مناسک مذهبی در هویت شخصی افراد، پژوهش علوی و همکاران (۱۳۸۷) و نیازی (۱۳۹۰) درباره نقش بهره‌مندی و استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی از جمله تلویزیون و ماهواره با هویت شخصی افراد همخوانی دارد.

دوم اینکه نقش جنسیت در برخی از ابعاد هویت فردی نقش پررنگ‌تری دارد. به عبارت دیگر، جنسیت در برخی ابعاد مانند ارزش‌های سنتی، ارتباطات جمعی و فضای مجازی نقش مؤثری داشته و باعث ایجاد تمایز در هویت افراد شده است. نکته مهم قابل ذکر در این خصوص این بود که اهمیت ارزش‌های سنتی در هویت زنان کم‌رنگ‌تر از مردان است و مردان تعلقات بیشتری به ارزش‌های سنتی دارند. این یافته با نتایج پژوهش برجعلی و همکاران (۱۳۹۲) که دختران نسبت به پسران جهت‌گیری مذهبی بیشتری داشتند، متفاوت است. در این تحقیق، تفاوت معناداری بین اهمیت دین و جنسیت مشاهده نشد ولی در پژوهش مذکور دختران جهت‌گیری مذهبی قوی‌تری داشته‌اند. علت این امر می‌تواند ناشی از دو نکته باشد: اول اینکه جامعه آماری تحقیق مذکور معطوف به دانشجویان دانشگاه تهران است، در حالی که جامعه آماری این پژوهش مربوط به مراکز استانی کشور است. دلیل دوم می‌تواند ناشی از خطای ابزار اندازه‌گیری باشد.

سوم اینکه نقش قومیت نیز در ایجاد تمایزات هویتی نسبتاً قابل توجه است. گذشته از این که برخی عناصر قومی مثل اهمیت سرزمین قومی، اهمیت جامعه و فرهنگ قومی در ساختمان هویت فردی افراد قابل مشاهده است، گروه‌های قومی در نقاط مختلف کشور نیز در برخی عناصر، شکل و صورت‌بندی متفاوتی از هویت فردی را دارند. اما به‌رغم این موارد، همچنان که نتایج تحلیل عاملی نیز نشان می‌دهد، یک نوع تئیدی و همسازی بین عناصر قومی، دینی و ملی در هویت فردی قابل مشاهده است. به عبارت دیگر، اگرچه عناصر قوم خود عامل تمایز افراد از یکدیگر در جامعه است ولی در صورت‌بندی هویتی افراد عناصر قومی و ملی با یکدیگر تناقض نداشته و در کنار یکدیگر قرار دارند.

الف) فارسی

- احدی، حسن و نیک‌چهره محسنی (۱۳۷۸)، *روانشناسی رشد*، تهران: شرکت پردیس.
- احمدی، حمید (۱۳۸۷)، *آسیب‌شناسی مطالعات قومی در ایران. از کتاب مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش ملی تنوع فرهنگی و همبستگی ملی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- اسماعیلی، جواد (۱۳۷۵)، *مقایسه بحران هویت در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی).
- امام‌جمعه، طیبه (۱۳۸۲)، *نقش ساماندهی فعالیت‌های فوق برنامه در شکل دهی به هویت ملی دانش‌آموزان*، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، شماره ۱.
- برجلی، زهرا، زهره خسروی و مه‌سینا پورشهریاری (۱۳۹۲)، «نقش جهت‌گیری مذهبی در ساختار هویت فردی»، *روانشناسی و دین*، سال ششم، شماره ۳: ۹۷-۱۰۸.
- یبابان‌گرد، اسماعیل (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی نوجوانان*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری، حسین و تهمینه شاوردی (۱۳۹۲)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و قومیت؛ فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو»، *پژوهش‌های ارتباطی*، سال بیستم، شماره ۷۶: ۶۴-۳۷.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۵)، *نهادهای دینی مدنی و هویت در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، در: نهاد‌های مدنی و هویت در ایران*، به کوشش داوود غریباق زندی، تهران: تمدن ایرانی.
- سلگی، محمد (۱۳۸۹)، *سنجش ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی و تاثیر آنها بر انسجام هویت ملی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، به منظور ارائه یک مدل روابط ساختاری*، رساله دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- شاوردی، تهمینه و حسین حیدری (۱۳۹۵)، تحلیل و بررسی هویت شغلی با تاکید بر شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های آن، *مشاوره شغلی و سازمانی*، شماره ۲۸.
- شکری، زهرا (۱۳۸۰)، *بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجو، استاد راهنما: حسین شکری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شکرکن و همکاران (۱۳۸۰)، «بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز»، *علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، سال سوم، سال هشتم، شماره ۱ و ۲.
- شکری، امید و همکاران (۱۳۸۶)، «تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد هویت»، *تازه‌های علوم شناختی*، سال نهم، شماره ۲.

طالبی، سکینه (۱۳۷۹)، «تحول هویت ملی دانش آموزان در دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه»، **تعلیم و تربیت**، شماره ۶۳: ۷۴-۵۷.

عبداللهی، محمد و محمد عثمان حسین‌بر (۱۳۸۱)، «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، **جامعه‌شناسی ایران**، سال چهارم، شماره ۴.

علوی، سیدسلیمان، کیانوش هاشمیان و فرشته جنتی‌فرد (۱۳۸۷)، «هویت و سلامت روان در دانشجویان استفاده‌کننده از اینترنت و محیط‌های مجازی دانشگاه تهران»، **تحقیقات علوم رفتاری**، سال ششم، شماره ۱.

قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۵)، «نقش نهادهای مدنی در فرایند تکوین هویت ملی در ایران» در: **نهادهای مدنی و هویت در ایران**، به کوشش داوود غرایاق زندی، تهران: تمدن ایرانی.

نیازی محسن و محمد کارکنان نصرآبادی (۱۳۸۶)، «تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان»، **مطالعات ملی**، سال هشتم، شماره سوم: ۸۰-۵۵.

هرسیچ، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹)، «تأثیر مولفه‌های هویت ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **تحقیقات فرهنگی**، سال سوم، شماره ۹.

ب) لاتین

- Eisenstadt, Shmuel. (2002), The construction of Collective identities and the Continual Reconstruction of primordiality, *Making Sense of Collectivity*, 33-87.
- Gilbert, K. P. (2006), *The good citizen: Values, nationalistic collective identity, and social attitudes*, Phd thesis in Loyola university Chicago.
- Levine, C. G. Pakvis, P. (2000), "Ego and moral development in university contexts: The value consistency thesis extended", *Journal of adolescent research*, Vol.15, No.4: 482-503.
- Marcia, J. E. & Friedman, M. L. (1970), "Ego identity status in college women", *Journal of personality*, Vol.38, No.2: 249-263.
- Marcia, J. E. (1966), Development and validation of ego-identity status", *Journal of personality and social psychology*, Vol.3, No.5: 551.
- Marcia, J. E. (1987), The identity status approach to the study of ego identity development, *Self and identity: Perspectives across the lifespan* (61-171), New York, NY, US: Routledge.
- Marcia, J. E. (1989), "Identity and intervention", *Journal of adolescence*, Vol.12, No.4: 401.
- Marcia, J.E (1980), Identity in adolescence in Journal of adolescent (Ed), *Handbook*

of adolescent psychology, New York: wiley.

Olson, E.T. (2002), Personal Identity, in: *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Edward N.Zalta (ed.) available at: <http://plato.stanford.edu/entries/identity-personal/>.

Sabatier, C. (2008), "Ethnic and national identity among second-generation immigrant adolescents in France: The role of social context and family", *Journal of adolescence*, Vol.31, No.2: 185-205.

Sanders, C. E. Field, T. M. Miguel, D. & Kaplan, M. (2000), "The relationship of Internet use to depression and social isolation among adolescents", *Adolescence*, Vol.35, No.138: 237.

